

یادداشت

مالیات تورمی بودجه ۱۴۰۰ با کدام منطق؟



اگر چه شاید شاخص های برابری نرخ ارز، شاخص بورس و رشد اقتصادی به ظاهر نمونه هایی نمایان ساز از وضعیت اقتصادی یک کشور بوده باشند با این حال مهم ترین شاخص و سند قابل اتکا برای پیش بینی همین نمودهای اقتصادی، لایحه بودجه سنوات مختلف است. چرا که برنامه مدون و مورد اتفاق لازم برای رسیدن به آن شاخص مطلوب و مستتر حکومت را در خود دارد و مهم تر اینکه به عنوان یک سند خوداظهاری، قابلیت ویژه ای را به تحلیلگران در جهت شناسایی ساختار، امکانات و چالش های جدی آتی، می بخشد. در این میان اولین معیار سنجش این سند همان معیار قدیمی «کسری بودجه» تلقی می شود. مفهومی که در درجه اول ضمن اعلام وزن کارشناسی دولت، شکاف راهبردی – عملیاتی وی را آشکار می سازد و در گام بعدی انتظارات مردم را شکل می دهد. انتظاراتی که ساقه ناکارآمدی اقتصادی را سنگین تر می کند و تنها راه درمانش همان واقع نگری است. واقع نگری دوطرفه در دولت و ملت.

بر این اساس بوده که در تمام این سال ها اهتمام بر بالا و پایین کردن ترازنامه زیاد کارساز نبوده، چراکه در سوی دیگر، کفه ترازوی اقتصاد سیاسی با فشار افکار عمومی (ملی و منطقه ای) همیشه بر بالا رفتن مخارج تاکید داشته است. آن هم در شرایطی که دولت ها نتنها افزایش مناسب منابع را نداشته اند بلکه دچار زیان انباشته بسیاری در حفظ منابع گذشته نیز بوده اند. دقیقاً اینجااست که به رسم همیشگی تئوری «مالیات تورمی» راه حل کم هزینه و خاموش دولت هاست. اگرچه اصل این تئوری در ناخودآگاه انسان اثبات شده است اما در بلندمدت همیشه بر زیان مردم بوده و خواهد بود؛ اما چگونه می شود بر این اصل اشاره کرد. خاموشی ۲۰۰۳ ایالات متحده به اذعان کلیه گزارشات مستند داخلی و بین المللی به مراتب از لحاظ اقتصادی مخرب تر و زیان بارتر از اتفاقات ۱۱ سپتامبر دو سال پیش از آن است. این مهم درحالی است که نه تنها کمتر کسی بر این اصل واقف نیست، بلکه شاید بیشتر مردم، برخلاف سقوط برج های تجاری، دیگر آن واقعه را در یاد هم نداشته باشند. این اصل ناملموس که مردم از اکنون بیشتر از آینده می ترسند و در این زمینه نیز بیشتر به فکر خویش هستند تا دیگران، شاید پاسخ مناسبی بوده باشد. در حملات مربوط به سپتامبر ۲۰۰۱ همه مردم به واقع ترس بزرگی از خسارت احتمالی در هر لحظه و موقعیتی، برای خود متصور بودند و این نکته برخلاف این برقی رنگی بود که تنها در چند ایالت آمریکا در سال ۲۰۰۳ رخ می داد. در گام بعدی نیز شاید اختلاف این دو اتفاق و نحوه برخورد افکار عمومی با آنها مربوط به احساس مربوط به این وقایع باشد. بدین صورت که مردم زیان مالی خاموش را نمی توانند ببینند. درست همین جاست که دولت ها آنچه مردم ندانسته طلب می کنند را، با تبلیغات فراوان یا به اصطلاح در حرکتی پوپولیستی، تقدیم آنان می کنند؛ بنابراین افزایش حقوق و دستمزد تنها نمونه ای از این نوع رفتار و مطالبه عمومی جامعه است خصوصاً اگر منابع مالیاتی درست و سرشاری نیز نداشته باشیم.

در سوی دیگر مردم که در شرایط تورمی با کاهش درآمد موثر مواجه می شوند و به بیان ساده دخل شان کفاف خرج شان را نمی دهد، خواستار افزایش حقوق آن هم بیشتر با حداقل متناسب با نرخ تورم سالانه هستند و در مقابل هم دولت با حق دانستن این مطالبه درصدد افزایش سطح رفاه و درآمد، کاهش اثرات منفی تورم و جبران مشکلات مردم در سایه افزایش حقوق ها و دستمزدها خواهد بود. این اتفاق در ادامه و در ارتباط میان دولت و ملت و در فصل بودجه نمود می یابد؛ می شود که دیگر مهم نیست منابع این رویکرد موجود باشد یا خیر. اگر روحیه پوپولیستی و سیاسی یک نهاد یا حزب حاکمه هم بالاتر از حد معمول شود دیگر اصلا مهم نیست چه مقدار از این افزایش منطقی خواهد بود. این درحالی است که براساس اذعان قریب به اتفاق کارشناسان مطرح اقتصادی، در کوتاه مدت، گزاره افزایش حقوق سالانه برای حقوق بگیران و کارگران بیشتر بهودی روانشناختی است تا اقتصادی آن هم به عنوان نوش دارویی پس از مرگ سهراب و در بلندمدت نیز به معنای زیان و تورم بیشتر خواهد بود. البته بازم به ضرر بیشتر برای همان دهک های پایین. بر همین اساس است که طبق تبصره ۱۴ بودجه، افزایش ۲۵ درصدی (چه ثابت و چه پلکانی) حقوق ها در سال ۱۴۰۰ معنایی بیش از حداقل تورم ۲۵ درصدی بدون اعمال سایر متغیرهای پولی و مالی برای سال بعد نخواهد بود چراکه با حسابی ساده باید گفت قیمت تمام شده کالاها و خدمات از نرخ دستمزد به راحتی تاثیر خواهد پذیرفت آن هم به شیوه دستوری، سریع و قانونی. در کنار این اتفاق اگر پیشنهاد پرداخت ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق های مستمری و بازنشستگی در سال ۱۴۰۰ و تخلفات رخ داده، مشابه آنچه در سال جاری از بند «و» تبصره ۴ قانون بودجه ۹۹ در افزایش بیشتر و دستوری هزینه صندوق های بازنشستگی آن هم به اسم همسان سازی حقوق بازنشستگان و قانون برنامه ششم کشور است. گردهم آوریم، به راحتی می توان به این نکته پی برد که یکی از راه های مهم جلوگیری از تورم و کاهش قدرت خرید مردم می تواند جلوگیری از افزایش حقوق های بی پشتوانه ای باشد که در مقطعی کوتاه خواهند توانست میزان تقاضای مصرفی را نیز افزایش دهند.

براین اساس و در این راستا افکار عمومی به عنوان بازیگر اصلی باید نسبت به این اتفاق مهم بیش از پیش واقف باشند و لزوم برخورد با آن را از دولت و مجلس مطالبه کنند. البته لازم به ذکر است که جبران کاهش قدرت خرید مردم امری مهم و بدیهی است که خلاقیّت بیشتر و بهتر مسئولان و کارشناسان متولی را طلب می کند و شاید بهتر باشد برای شروع امر، همان صندوق های بازنشستگی نسبت به مولدسازی مجموعه شرکت های تحت امر خود که نسبتاً بسیار بزرگ هستند اقدام کنند تا اینکه دست در جیب دولت و ملت کرده باشند یا اینکه دولت و مردم نسبت به پرداخت و دریافت صحیح در سیستم مالیاتی به عنوان منبع اصلی دولت برای افزایش این چنینی حقوق ها به اتفاق نظر و درک صحیحی برسند چراکه امید است هرچه زودتر رابطه صحیح و شفافی میان جیب مردم و خزانه دولت تعریف شود و نشتی جیب مردم دیگر چند برابر دریافتی شان نشود.

اقتصاد

«فرهیختگان» بررسی کرد

مجلس یادولت؛ بودجه ۱۴۰۰ را چه کسی اصلاح کند؟



ضروری است. هر زمانی که بحث از کاهش هزینه های می شود، استدلال دولت و برخی از کارشناسان این است که به واسطه تورم های بالانمی توان از هزینه های جاری در بودجه زد. اما با ذکر این مقدمه متوجه خواهیم شد که کاهش هزینه ها در برخی بخش ها کاملاً امکان پذیر است.

۱- با کسر بودجه صندوق های بازنشستگی، هزینه جبران خدمات کارکنان دولت در ایران معادل نزدیک به ۶۰ درصد از کل بودجه جاری است. این درحالی است که میانگین سهم هزینه جبران خدمات کارکنان دولت از هزینه های جاری در حدود ۳۳ درصد است. این بدین معنی است که دولت ایران دولت عاقله مندی است.

۲- طی سالیان گذشته ساختار بودجه بخش جبران خدمت کارکنان در ایران به نحوی بوده که علاوه بر بخش جبران خدمات، از محل اعتبارات سایر فصول مثل بودجه استفاده از کالاها و خدمات و رفاه اجتماعی نیز برای پرداخت های غیرمستمر کارکنان شده است. این منابع کد برای پرداخت های غیرمستمر کارکنان دولت همانند اضافه کار، هزینه های رفت و آمد، حق ماموریت، فوق العاده و... هزینه شده، تا لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ مقدار هزینه کرد آن مشخص بود اما با اصلاحاتی که در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ و به دنبال آن در بودجه سال های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ صورت پذیرفته، با حذف ستون حقوق و مزایای مستمر و سایر مصارف از جدول شماره (۷) که عملاً بودجه جبران خدمت کارکنان دستگاه ها را به طور دقیق نشان می داد، بودجه حقوق و دستمزد ها بیش از پیش غیرشفاف تر شده است. به هر حال برآورد ها حاکی است دولت در سال آینده ماهانه به ازای هر کارمند ۱۲ میلیون تومان هزینه خواهد کرد. همچنین دیوان محاسبات نیز در گزارش تفریغ بودجه سال ۹۸ به این موضوع اذعان داشته که «اولا حقوق های بالای ۴۵ میلیون تومان در ماه در دولت وجود دارد و ثانیاً شناسایی تعداد کارکنان دولت ورسته های فعالیت های آنان غیرممکن است. ۳- به اذعان اغلب کارشناسان اقتصادی، بخشی از افزایش هزینه های دولت دلائل اقتصادی نداشته و موضوع عملاً اقتصاد سیاسی است. در ایران چانه زنی در دستگاه های دولتی زیاد بوده و بخش بزرگی از انرژی آنها صرف دریافت بودجه بیشتر می شود. علاوه بر سازمان برنامه و بودجه که نشان داده علاقه ای به شفاف سازی هزینه ها ندارد، در سال های گذشته مجلسی ها هم خود عامل تنومند تر شدن بودجه جاری بوده اند.

۴- بسیاری از کارشناسان با این استدلال که دولت می گوید ضریب افزایش حقوق و دستمزد ۲۵ درصد خواهد بود اما بودجه حقوق و دستمزد و جبران خدمات و همچنین بودجه صندوق های بازنشستگی جبران ۶۰ درصدی دارند، معتقدند لایحه بودجه سال آینده بوی انتخابات می دهد و اگر قرار است صرفه جویی شود، باید ابتدا حقوق و مزایا و هزینه جبران خدمات شفاف شود.

۵- در بخش هزینه های جاری دولت، بررسی هاشان می دهد مجموع بودجه صندوق های بازنشستگی از ۸۶ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۹۹ با رشد ۱۰۹ درصدی به ۱۸۰ هزار میلیارد تومان در لایحه ۱۴۰۰ رسیده است. افزایش هزینه های این صندوق ها درحالی است که فلسفه تشکیل صندوق های بازنشستگی اتکای به منابع و ذخایر خود است. با این حال برای نمونه بررسی وضعیت منابع صندوق بازنشستگی نباید به مصارف (از طریق کمیسیون تلفیق و...) بیفزاید؛ ۲- مجلس باید دولت را ملزم به شفاف سازی حقوق و دستمزد و سایر مزایا و مهم تر از آن تعداد و کم و کیف کارکنان خود کند؛ ۳- مجلس سریعاً باید به حیاط خلوت صندوق وا رد شود؛ ۴- تعیین تکلیف انواع و اقسام یارانه های بودجه ای و رفاه بودجه ای باید مدنظر مجلس باشد.

آینده ادامه پیدا کرده و درآمدها دست بالا گرفته شده و به اصلاح ساختاری بودجه نیز توجهی نشده است. عدم تحقق درآمدها دولت را به استقراض از سیستم بانکی، صندوق توسعه ملی و عدم تسویه بدهی سوق می دهد که نتیجه آن افزایش پایه پولی در بانک مرکزی خواهد بود. براساس محاسبات در اقتصاد کشور هر یک تومان پایه پولی توانایی ایجاد هفت تومان نقدینگی داشته و در ادامه تورم نیز پای ثابت آن خواهد بود. بنابراین اصلاح بودجه به دلیل ناکارآمدی در درآمدها و عدم عدالت در توزیع هزینه ها از واجبات بودجه ریزی کشور بوده که بالاخره باید آن را از جایی شروع کرد. به نظر تصویب بودجه سال آینده در مجلس قطعی است و کار از کار گذشته اما باید این تصویب، مشروط به اجرای موارد اصلاح ساختاری از سوی دولت باشد.

۴ پیش شرط در منابع بودجه

بودجه ریزی معمولاً از سمت مصارف آن آغاز می شود اما بهتر است که اصلاح آن از بخش منابع شروع شود. موارد زیر را می توان به عنوان موارد اصلاحی منابع بودجه در نظر گرفت که مجلس، دولت را باید مکلف به انجام آن کند:

۱- درآمد نفتی را باید از پیش بینی نا پذیر است به همین دلیل نفت نباید در بودجه آمده بودجه ارزی و ریالی نیز باید از یکدیگر جدا شود. منابع ارزی نفت از هر طرفی که به اقتصاد تزریق شود منجر به تورم و بیماری هلندی خواهد شد، از همین رو پیشنهاد می شود که منابع حاصل از آن تنها صرف واردات تکنولوژی و مواد سرمایه ای شود.

۲- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی کشور حدود ۶ درصد در سال ۹۸ بوده است که از میانگین جهانی ۲۱ درصدی، میانگین ۲۵ درصدی ترکیه و میانگین کشورهای در حال توسعه نیز بسیار عقب است. جهت افزایش سهم مالیات از بودجه ریزی کشور باید پایه های مالیاتی افزایش و با تمام توان از فرار و معافیت های مالیاتی جلوگیری کرد. افزایش پایه های مالیاتی می تواند شامل؛ مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد باشد. از آن سو براساس گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۸ که از سوی دیوان محاسبات ارائه شده، میزان فرار مالیاتی در کشور حدود بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان، معافیت های مالیاتی ۱۴۴ هزار میلیارد تومان و معوقات مالیاتی نیز ۱۸۱ هزار میلیارد تومان است. به نظر می رسد دولت اراده ای برای اخذ مالیات عادلانه نداشته و عمده تمرکز مالیات ستانی در بخش اقتصاد رسمی است. توجه به تکالیف مالیاتی برنامه ششم می تواند راهگشا باشد.

۳- دولت هرگونه برداشت از صندوق توسعه ملی و استقراض از بانک مرکزی را با هر بهانه یا به هر شکل قطع کند و در ازای آن به انتشار اوراق دولتی بپردازد. البته باید متوجه بود که انتشار اوراق دولتی اگر بی رویه باشد و صرف امور جاری شود در نهایت علاوه بر اینکه ردی را دوا نخواهد کرد، در بلندمدت می تواند دولت ایران را به بدکارترین دولت تبدیل کند. بنابراین انتشار اوراق باید محدود و درآمد حاصله از آن صرف امور عمرانی شود. ۴- واگذاری و فروش بسیاری از شرکت های بدون بازده دولتی، فروش سهام و پیگیری مولدسازی دارایی ها نیز باید در میان مدت پیگیری شده و الا در سال های آینده با بخش بزرگی از صنایع و شرکت های دولتی بدون بازده و هزینه زا رویه رو خواهیم بود.

۴ پیش شرط کاهش هزینه ها

هزینه های جاری دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ (هزینه جبران خدمات کارکنان، کمک به صندوق های بازنشستگی، استفاده از کالا و خدمات، هزینه های اموال و دارایی یارانه، کمک های بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه ها) با رشد ۶۰ درصدی ۶۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده که این رقم معادل ۷۶ درصد از کل مصارف عمومی است. بنابر آمارهای اعلام شده از سوی سازمان برنامه و بودجه از رقم مذکور، حدود ۵۴۸ هزار میلیارد تومان آن مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان دولت و مستمری بازنشستگان صندوق های بازنشستگی است. از رقم ۵۴۸ هزار میلیارد تومان حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان مربوط به سه صندوق بازنشستگی و نزدیک به ۳۰ هزار میلیارد تومان آن بودجه بنیاد شهید و امور ایثارگران است. به عبارتی دولت در سال آینده فقط به کارکنان خود باید نزدیک به ۳۳۹ هزار میلیارد تومان بودجه حقوق و دستمزد تخصیص دهد. بنابراین اگر قرار است در سمت مصارف کاهش یا صرف جویی داشته باشیم، بخش هزینه جبران خدمات کارکنان از موارد بسیاری

نوشتن بودجه ای با هزینه های جاری تنومند و در نهایت تصویب آن با قزاینده تر کردن همان موارد است.

چرا باید از بودجه ۱۴۰۰ ترسید؟

عموم مردم در پاسخ به سوال بودجه چیست؟ می گویند: خب معلوم است، دولت هر سال دخل و خرج سال بعد خود را محاسبه می کند و بعد آن را به شکل قانون به مجلس می دهد و بعد از تصویب مجلس لازم الاجرا می شود. این حرف تا حدودی درست و اصلاً منطقی حکم می کند که همین باشد اما وضع دخل (درآمد دولت) در کشور ما پیچیده و از آن طرف خرج (هزینه ها) پیچیده تر است. دولت دودرآمد بزرگ شامل مالیات و نفت را در دخل خود می بیند و از آن طرف دو هزینه بزرگ شامل؛ هزینه های جاری که شامل حقوق کارکنان و کمک به صندوق های بازنشستگی است و هزینه های عمرانی که شامل مخارج دولت در ساخت و ساز هاست را نیز در ردیف های خرج (هزینه ای) خود دارد. اگر که هزینه ها از درآمدها بیشتر باشد وضعیتی به وجود می آید که به آن کسری بودجه می گویند که تقریباً نقطه آغاز همه مشکلات و نابسامانی هاست. رقم این مورد در بودجه سال ۱۴۰۰ حدود ۳۱۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده کمی سابقه ترین کسری بودجه در چهل سال اخیر است. همین کسری بودجه عامل اصلی تورم سالیانه، کاهش رشد و رفاه اقتصادی خانوار ها و در نهایت بحرانی تر شدن وضعیت اقتصاد است. برای کنترل رقم کسری بودجه دولت دوره وجود داره؛ اولاً می تواند تحقق درآمدها را بیشتر و از آن طرف هزینه ها را تعدیل کند اما همان طور که گفته شد راه دوم یعنی تعدیل هزینه ها لااقل در کشور ما غیرممکن است؛ چرا که دولت ها و مجلس ها برای تحکیم جایگاه سیاسی علاقه ای به آن نخواهند داشت. افزایش درآمدها هم از جانب «نفت» به دلیل ناپایداری های بین المللی متنفی و مالیات نیز به همان دلیل عدم کاهش هزینه ها غیر قابل افزایش است.

در بودجه سال آینده سهم هزینه های جاری (هزینه جبران خدمات کارکنان، کمک به صندوق های بازنشستگی، استفاده

از کالا و خدمات، هزینه های اموال و دارایی یارانه، کمک های بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه ها) به ۶۰ درصد افزایش به ۶۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده و ۷۶ درصد از کل مصارف عمومی را به خود اختصاص داده که بنابر آمارهای اعلام شده از سوی سازمان برنامه و بودجه (به نقل از مرکز پژوهش های مجلس)، حدود ۵۴۸ هزار میلیارد تومان آن اعتبارات مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان دولت و مستمری بازنشستگان است. در بودجه سال آینده، سهم هزینه های عمرانی به عنوان موثر تر رشد و توسعه کشور نیز به کمترین مقدار در ۴۰ سال اخیر یعنی ۱۲ درصد از کل هزینه های عمومی رسیده است. از سوی دیگر، مالیات به عنوان منبع پر قدرت درآمدی تحلیل رفته و سهم ۲۹ درصدی را از منابع عمومی تشکیل داده (این رقم در سال ۹۹ حدود ۴۰ درصد بوده است). وابستگی به نفت هم که قرار بود تا پایان برنامه ششم توسعه قطع یا به حداقل برسد به بالا ترین رقم خود در چند سال اخیر رسیده و در مقایسه با بودجه سال جاری بیش از ۳۰۰ درصد رشد کرده است. به طور خلاصه باید اذعان کرد بودجه سال آینده در بخش درآمدی از بودجه سال های قبل ناپایدار تر و در بخش هزینه ای نیز تورم تر از شده است. هماهنگیابه این معناسه که کسری بودجه به نقطه حساسی رسیده و دولت در تلاش است با همدست کردن مجلس تورم سال آینده را به نام دولت بعدی و همچنین مجلس کنونی ثبت کند. همین مساله بود که تعجب کارشناسان را از تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰ در کمیسیون تلفیق برانگیخت.

اصلاح بودجه از نان شب هم واجب تر است

کسری بودجه را شاید بتوان مادر بسیاری از مشکلات اقتصادی در کشور نامید که هر سال مصائب جدیدی را ایجاد و خوراک معضلات موجود را فراهم می کند. کسری بودجه مادر تورم در ایران و تورم جد بزرگ مشکلات اقتصادی کشور است. در قسمت قبل گفته شد رقم کسری بودجه دولت در لایحه ۱۴۰۰ حدود ۳۱۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. این کسری بنا بر آنچه در بودجه آمده قرار است از طریق ۱۲۱ هزار میلیارد تومان خالص واگذاری دارایی های سرمایه ای (مانند نفت و فروش اموال منقول و غیرمنقول) و همچنین ۱۹۸ هزار میلیارد تومان خالص واگذاری دارایی های مالی (مانند فروش اوراق دولتی و واگذاری شرکت ها و فروش سهام) جبران شود. مثل روز روشن است که موارد درآمدی تحقق پیدا نخواهد کرد در واقع سبک و سیاق سال های پیش در بودجه سال



مرتضی عبدالحسینی روزنامه نگار

کلیات بودجه سال آینده در کمیسیون تلفیق مجلس تصویب و احتمالاً ظرف چند روز آینده راهی صحن علنی خواهد شد. رئیس جمهور نیز طی روزهای اخیر با بدعکار کردن مجلس، هم از توافقات دولت و مجلس برای بودجه گفته و هم می گوید مجلسی ها باید قدرت دارن وی و دولتش باشند که می خواهد کسری بودجه ای را کبیش برآورد آن بر هیچ کس پوشیده نیست، بیوشاند. در این میان، از اظهارات برخی نمایندگان مشخص است که رای بسیاری از اعضای کمیسیون تلفیق به کلیات لایحه بودجه ناشی از این نگرانی بوده که اگر کلیات رد شود ممکن است دولت هیچ اقدامی برای اصلاح نکند. به هر حال از ابتدا بعید بود که لایحه ۱۴۰۰ با آن حجم از انتقاد به راحتی راهی صحن علنی مجلس شود، با این حساب، حالا به نظر می رسد در صحن علنی نیز مجلس به کلیات بودجه رای مثبت دهد به این شرط که در جزئیات اصلاحاتی صورت گیرد، روند تصویب بودجه ۱۳۹۹ نیز نشان می دهد دولت نه تنها اقدامی برای اصلاح انجام نخواهد داد، بلکه این توانمندی را نیز دارد که به راحتی هزینه های اصلاح یا عدم اصلاح لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را روی دوش مجلسی ها بگذارد. بنابراین انتظار افکار عمومی از مجلس یازدهم این است که اولاً اگر هم کلیات لایحه بودجه را می پذیرد، دولت را مکلف به اصلاحات در بودجه کند. ثانیاً خود مجلس وارد فاز اجرایی اصلاح ساختار بودجه نشده و انرژی خود را صرف قانون گذاری و نظارت بر اجرای قوانین کند. بنابراین، اگر هم نمایندگان مجلس همانند کمیسیون تلفیق مجبورند کلیات را بپذیرند، آن را مشروط به اصلاحات اساسی از سوی دولت (فعلی و آینده) کنند، اصلاحاتی که حتی اگر به بودجه ۱۴۰۰ هم نرسد اما امیدوار به اجرای آن در سال های آینده باشیم.

براین اساس: ۱- کسری بودجه سال آینده از روش های کم خطرتر (استفاده از ظرفیت اوراق ریالی و مولدسازی دارایی ها و فروش سهام) جبران شود اما مشروط بر اینکه به این موارد به عنوان مُسکن موقتی نگاه شود و ما در سال های آینده با یک دولت پایدار از همین امروز شروع شود. در این خصوص در مجلس کمیته ای برای پیگیری اجرایی شدن پایه های مالیاتی همچون مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر مجموع درآمد، شناسایی معافیت های غیر ضرور، شناسایی فرارهای مالیاتی و الزام دولت به اخذ مالیات های معوق تشکیل شود. این کمیته نباید به سر نوشت کمیته اصلاح ساختار در مجلس دچار شود و باید گزارش آن به صورت دوره ای در مجلس قرائت شود. ۳- در بخش هزینه های جاری دولت طی سال های اخیر همه انرژی خود را برای غیرشفاف کردن بودجه حقوق و دستمزد و هزینه های مربوط به جبران خدمات کارکنان کرده است. شفاف سازی این بخش باید به جد پیگیری شود. ۴- در سال آینده دولت ۱۸۰ هزار میلیارد تومان به صندوق های بازنشستگی کمک خواهد کرد. ورود به حیاط خلوت این صندوق ها و الزام آنها به اتکای بیشتر به منابع داخلی امری ضروری است.

بودجه در یک قدمی صحن علنی!

در روزهای اخیر کلیات بودجه ۱۴۰۰ با ۲۳ رای موافق و ۱۹ رای مخالف و یک رای ممتنع در جلسه کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این اتفاق درحالی رخ داد که کارشناسان اقتصادی و متخصصان بخش عمومی کشور از لحظه اعلام جزئیات بودجه ۱۴۰۰ به مخالفت با آن برخاسته بودند و انتظار آن می رفت که فرآیند تصویب بودجه ۱۴۰۰ به پیچ وخم راه رهای مجلس به این سادگی ها طی نشود. البته حسین گودرزوند چگینی یکی از اعضای کمیسیون تلفیق طی مصاحبه ای به مباحث بررسی شده در جلسه مذکور پرداخت و گودرزوند هرچند نمایندگان و اعضای کمیسیون تلفیق به کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۰ رای مثبت دادند اما اقرار کرد که کمیته های تخصصی برای بررسی جزئیات و اصلاح آن شروع به کار کنند. با وجود تاکید بدنه دولت بر اصلاح ساختاری بودجه و از طرفی تشکیل کمیته اصلاح ساختار در مجلس اما به نظر می رسد ملاحظات سیاسی و... اجازه اصلاح بودجه ۱۴۰۰ را نداده است. هرچند بودجه در صحن علنی مجلس به تصویب نرسیده است اما نظر کمیسیون تلفیق می تواند حجت نهایی برای صحن باشد و با وجود این نمی توان به تغییرات اساسی در بودجه سال آینده امیدوار بود. از طرفی دیگر سابقه تغییر لایحه بودجه در مجلس نشان داده است در ادوار مجلس شورای اسلامی، نمایندگان عمدتاً به بخش مصارف (به ویژه هزینه های جاری) علاقه داشته و بیشتر به دنبال تقویت آن برای اقشار خاصی مانند؛ بازنشستگان، کارکنان دولت و... بوده اند. به عنوان مثال در سال گذشته، بودجه پس از رفت و برگشت به مجلس شورای اسلامی در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد در بخش مصارف تنومندتر شد. به طور سالانه ۸۵ تا ۷۰ درصد مصارف عمومی بودجه کشور را، حقوق کارکنان، جبران خدمات کارکنان، وام به آنها و تقویت صندوق های بازنشستگی و... در برمی گیرد که هیچ دولت و مجلس نه تنها توانایی شانه خالی کردن از آن را ندارد بلکه علاقه ای هم به آن نخواهد داشت. عدم علاقه دولت و مجلس به ملاحظات سیاسی و احتمالاً انتخاباتی برمی گردد. بنابراین در چنین حالتی بهترین راه حل